



دین تحت تأثیر معنویت مسیحی از تنظیم امور بیرونی بشر جدا شد

یکی از آثار نفی عقلانیت و تأکید بر تجربه‌ها و احساسات دینی و یافته‌های دورنی در چارچوب معنویت مسیحی، این بود که دین امری کاملاً درونی قلمداد شد و از تمام حوزه‌های مربوط به امور بیرونی انسان و تنظیم این امور کاملاً جدا و فقط عهده‌دار احساسات و یافته‌های باطنی شد.

یکی از آثار نفی عقلانیت و تأکید بر تجربه‌ها و احساسات دینی و یافته‌های دورنی در چارچوب معنویت مسیحی، این بود که دین امری کاملاً درونی قلمداد شد و از تمام حوزه‌های مربوط به امور بیرونی انسان و تنظیم این امور کاملاً جدا و فقط عهده‌دار احساسات و یافته‌های باطنی شد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدتقی فاعلی، مدرس حوزه و دانشگاه و نگارنده 9 جلد کتاب در باب جنبش‌های نوظهور معنوی، در بیستمین نشست از سلسله نشست‌های «#171؛ آسیب‌شناسی عرفان‌های کاذب»؛ که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور برگزار شد، در خصوص سومین نوع از آیین‌های معنوی پرتطرفدار، یعنی عرفان مسیحیت، با بیان این نکته که محور عرفان مسیحیت، نفی عقلانیت است، اظهار کرد: محور عرفان مسیحیت، تأکید بر حالات و احساسات درونی است و این حالات و احساسات را در جای خردورزی و عقلانیت قرار می‌دهد.

یأس عقلانی در جهان مسیحی برآمده از آموزه تثلیث است

فاعلی یأس عقلانی در حوزه دین در جهان مسیحی را برآمده از آموزه اول مسیحیت یعنی تثلیث دانست و افزود: هیچ استدلال عقلی موجهی، از آغاز تا به امروز به نفع تثلیث ارائه نشده است و وقتی اولین اصل مسیحیت از عقلانیت بری باشد، دیگر آموزه‌های آن نیز به همین وضع خواهد بود و و این امر تا بدانجا ادامه یافته است که رسماً اعلام شد که عقلانیت در باب آموزه‌های مسیحی باید تعطیل شود و نباید در آموزه‌های دینی دست به اثبات استدلالی برد.

وی با اشاره به این که منبع جایگزین عقلانیت که از سوی بزرگان مسیحیت، به عنوان پشتوانه ایمان مسیحی معرفی شده، قلب یا همان احساسات و خلسه‌ها و عواطف دورنی و در کل منبع درونی است، عنوان کرد: این رویکرد به رویکردی عظیم در جهان غرب بدل شد که با نام تجربه‌گرایی دینی خوانده می‌شود و در قالب آن، احساسات، عواطف، حالات، خلسه‌ها و اراده که می‌توان از آن‌ها با عنوان تجربه‌های درونی یا در شکل خاص آن تجربه‌های دینی یاد کرد، مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد.

مسیحیان معتقدند کاری که باید درباره خدا و آموزه‌های دینی انجام داد، این است که باید خدا و تمام آموزه‌های دینی را باطنی کرد؛ خدا را تبدیل به یک حس، تبدیل به یک خلسه درونی کرد و این گونه و با نفی کامل عقلانیت به خدا تقرب یافت

اهتمام مسیحیت به توسعه و ترویج تجربه‌های درونی به جای عقلانیت دینی

این استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: با شکل‌گیری و تدوین نظریه‌هایی در این زمینه، مسیحیت از آغاز سده 19 تا به امروز و به ویژه در این چند دهه اخیر کاملاً به سمت توسعه و ترویج تجربه‌های درونی و دینی به جای عقلانیت دینی رفته و اهتمام آن به همین امر است.

فاعلی با اشاره به این مطلب که برای یک متفکر مسیحی اصلاً مهم نیست که خدا را بتوان اثبات کرد یا نتوان اثبات کرد، گفت: پاسکال به عنوان یکی از این متفکران که در قرن 17 میلادی می‌زیست و علاوه بر تخصص در نجوم و ریاضی دارای تفکرات کلامی و الهیاتی نیز بود، اولین کسی است که اعلام کرد خدا قابل اثبات نیست و همین مباحث بعد از او توسط هیوم و کانت نیز مطرح و به سنتی مقبول و مشهور در جهان مسیحی بدل می‌شود.

وی با بیان این که امروزه بسیاری از متفکران غربی همین رویکرد را دنبال می‌کنند، اظهار کرد: امروزه یک متفکر و اندیشمند مسیحی اصلاً به دنبال اثبات خدا نیست و اصلاً این مسئله برای او اهمیت ندارد و رسماً اعلام می‌کنند که خدا قابل اثبات نیست و معتقدند که قابل اثبات نبودن خدا هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند و هیچ اهمیتی ندارد، آن چه مهم است این است که آیا فرد احساس درونی و حالتی خوب نسبت به خدا دارد یا نه؟ و آیا خدا را درونی کرده است یا نه؟ یا این که آیا دیگر آموزه‌های دینی را به درون خود راه داده است یا نه؟ در واقع آن چه مهم است، احساسات درونی و حالات دینی، خلسه‌های باطنی و یافته‌های درونی دینی و قلبی است؛ آنچه اهمیت دارد اینهاست و این که خدا اثبات شود یا نشود اصلاً مهم نیست.

امروزه يك متفكر و اندیشمند مسیحی اصلاً به دنبال اثبات خدا نیست و اصلاً این مسأله برای او اهمیت ندارد و رسماً اعلام می‌کند که خدا قابل اثبات نیست و معتقدند که قابل اثبات نبودن خدا هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند و هیچ اهمیتی ندارد

مخالفت متفکران مسیحی با اثبات عقلانی خدا

فعالی با اشاره مجدد به پاسکال گفت: پاسکال به علت این که فلاسفه می‌کوشند خدا را اثبات کنند کاملاً علیه فلاسفه بود و شعار بسیار معروفی به او نسبت داده شده و من در مقاله‌ای خواندم که این شعار بر سنگ قبر او نیز نوشته شده است. آن شعار این است که «ای فیلسوفان بر ادله نیفزایید، از شهوات دوری کم کنید« و این شعاری است که در تاریخ تفکر غرب و الاهیات مدرن بسیار محل بحث واقع شده است.

این محقق و پژوهشگر در توضیح این شعار بیان کرد: پاسکال معتقد بود که رفتن به سمت خدا با عقل محال است و رسماً اعلام می‌کند که خدا قابل اثبات نیست و اصلاً اثبات‌ناپذیر است و نه صرفاً این که مهم نباشد که دلیلی بر وجود خداوند اقامه کنیم بلکه این امر را غیرممکن می‌داند و بعدها می‌گوید کسانی هم که برای اثبات خدا دلیل آورده‌اند، علیه خدا و دیانت و مؤمنان اقدام کرده‌اند و نه به نفع آنان.

فعالی ادامه داد: کاری که متفکران، فیلسوفان و متکلمان در جهان اسلام در باب خدا کرده‌اند چه بوده است؟ کار آنان عمدتاً اثبات خدا از راه دلیل بوده است. کاری که از سوی آنان صورت گرفته است، در دو قالب جای می‌گیرد؛ یکی تکثیر ادله و دیگری تنقیح ادله؛ یعنی یا دلیل بر دلیل گذاشته‌اند و یا گفته‌اند دلیل قبلی به این دلایل، وجوه و اعتبارات غلط است. این در حالی است که مسیحیت معتقد است که درباب خدا نباید نه باید تکثیر ادله کرد و نه تنقیح ادله؛ چرا که در وهله اول اثبات خدا از این راه ممکن نیست و اگر ممکن نیز باشد اثبات وجود خدا برای ایمان مؤمنان سود و فایده‌ای ندارد و نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه مضر نیز هست.

پاسکال معتقد بود که رفتن به سمت خدا با عقل محال است و رسماً اعلام می‌کند که خدا قابل اثبات نیست و اصلاً اثبات‌ناپذیر است و نه صرفاً این که مهم نباشد که دلیلی بر وجود خداوند اقامه کنیم بلکه این امر را غیرممکن می‌داند و بعدها می‌گوید کسانی هم که برای اثبات خدا دلیل آورده‌اند، علیه خدا و دیانت و مؤمنان اقدام کرده‌اند و نه به نفع آنان

تأکید آموزه‌های مسیحی بر تقرب به خدا با نفی عقلانیت و مواجهه حسی با خدا

وی با بیان این که این گونه نگاه متعلق به همان دیدگاه موسوم به تجربه‌گروی دینی است، خاطرنشان کرد: براساس این دیدگاه مسیحیان معتقدند کاری که باید درباره خدا و آموزه‌های دینی انجام داد، این است که باید خدا و تمام آموزه‌های دینی را باطنی کرد؛ خدا را تبدیل به يك حس، تبدیل به يك خلسه درونی کرد و این گونه و با نفی کامل عقلانیت به خدا تقرب یافت.

این استاد حوزه و دانشگاه علاقه‌مندان به مطالعه در این زمینه را، برای مطالعه بیشتر به کتاب «تجربه دینی و مکاشفه عرفانی« که سال 79 در 600 صفحه به چاپ رسیده و درباب این رویکرد و انتقادهای و اشکال‌های وارده بر آن به تفصیل مباحثی را ارائه کرده، ارجاع داد.

تحت تأثیر معنویت مسیحی، دین از تنظیم امور بیرونی بشر کاملاً جدا شد

فعالی با بیان این که این نگاه آثاری بسیار جدی و پردامنه داشته است، اظهار کرد: یکی از آثار نفی عقلانیت و تأکید بر تجربه‌ها و احساسات دینی و یافته‌های درونی و خلسه‌های عرفانی این بود که دین امری کاملاً درونی قلمداد شد و از تمام حوزه‌های مربوط به امور بیرونی انسان کاملاً جدا شد. به بیان دیگر این نتیجه مورد پذیرش قرار گرفت که تنظیم‌کننده احساسات درونی دین است، اما تنظیم‌کننده روابط بیرونی بشر دیگر دین نیست. بنابراین تحت تأثیر معنویت مسیحی دین از تنظیم امور بیرونی بشر کاملاً جدا شد و فقط عهده‌دار و متکفل و تنظیم‌کننده احساسات درونی و یافته‌های باطنی و خلسه‌های نفسانی شد.